

جامعه مدنی جهانی و حقوق بین الملل*

دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی**

چکیده

شناخت رابطه میان جامعه مدنی جهانی و حقوق بین الملل مستلزم شناخت مقدماتی مفاهیمی چون جامعه مدنی، جامعه جهانی و تفاوت این جامعه با جامعه بین المللی و بالاخره جامعه مدنی جهانی است. امروزه، جامعه مدنی بیشتر بر ترتیبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی جامعه صنعتی مدرن، جدا از کشورها، تمرکز دارد و جامعه مدنی را گستره‌ای مستقل از کنترل کشورها، مخصوصاً کنترل خودکامگی تشکیل می‌دهد.

جامعه جهانی عمدتاً جامعه بین ملتها است، در حالی که جامعه بین المللی جامعه بین الدول می‌باشد. ظهور ایده جامعه مدنی جهانی، نتیجه ظهور ایده جامعه مدنی و پدیداری جامعه جهانی است. جامعه مدنی جهانی، ضرورت زیست بین المللی است. در جامعه مدنی جهانی، اشکال گوناگونی از همبستگی ملی مشاهده می‌شود.

اهمیت امروزه جامعه مدنی جهانی، در رشد فزاینده و نمایان آن و تأثیر واقعی‌اش بر رفتار مسئولان سیاسی خارجی کشورها و بالمآل بر عرصه سیاست بین الملل است. اینک با شناخت اجمالی مفاهیم یادشده، به بررسی مختصر ارتباط جامعه مدنی جهانی و حقوق بین الملل می‌پردازیم.

با بررسی گذرا به مفهوم و ساختار جامعه مدنی جهانی از دیدگاه حقوق بین الملل و عوامل حقوقی مؤثر در نقش آفرینی نهادهای مدنی جهانی، مناسبات میان جامعه مدنی جهانی و حقوق بین الملل تبیین می‌گردد.

واژه‌های کلیدی:

جامعه مدنی، جامعه مدنی جهانی، حقوق بین الملل، نهادهای مدنی جهانی، جهانی شدن حقوق، جامعه بین المللی، اقتدار و صلاحیت اجتماعی.

*. این مقاله قبلاً به طور مختصر در همایش جامعه مدنی و سیاست خارجی که در تاریخ ۷۹/۱۲/۲ توسط دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شده، ایراد گردیده است.
**. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

بررسی موضوع جامعه مدنی جهانی و حقوق بین الملل مستلزم طرح سه پرسش و سه فرضیه و پاسخ به آنها به شرح زیر است:

پرسشها

- ۱- آیا حقوق بین الملل، حقوق جامعه جهانی است؟
- ۲- آیا حقوق بین الملل با جامعه جهانی و واقعیت‌های دنیای امروز همخوانی و سازگاری دارد؟
- ۳- آیا عوامل حقوقی بین المللی در نقش آفرینی نهادهای مدنی جهانی مؤثرند؟

فرضیات

- ۱- حقوق بین الملل، حقوق جامعه مدنی جهانی است.
- ۲- حقوق بین الملل با جامعه مدنی جهانی و واقعیت‌های دنیای امروز همخوانی دارد، اما پاسخگوی تمامی نیازهای جامعه جهانی نمی باشد.
- ۳- برخی از عوامل حقوقی بین المللی در نقش آفرینی جامعه مدنی جهانی مؤثرند.

اینک جهت پاسخ به پرسشهای مطروحه و اثبات فرضیات یاد شده، مطالب، تحت سه عنوان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد:

- الف - مفهوم کلی جامعه مدنی جهانی
- ب - مفهوم و ساختار جامعه مدنی جهانی از دیدگاه حقوق بین الملل
- ج - عوامل حقوقی مؤثر در نقش آفرینی نهادهای مدنی جهانی

الف - مفهوم کلی جامعه مدنی جهانی

شناخت مفهوم جامعه مدنی جهانی مستلزم شناخت مقدماتی مفاهیم زیر است:

- ۱- مفهوم کلی جامعه مدنی
- ۲- جامعه بین المللی و جامعه جهانی
- ۳- جامعه مدنی جهانی در دنیای امروز
- ۴- ویژگیهای جامعه مدنی جهانی
- ۵- دلایل جهانی شدن جامعه مدنی
- ۶- عدم توانایی کشورها و اعمال اقتدار و توانایی اجتماعی

۱- مفهوم کلی جامعه مدنی

مفهوم جامعه مدنی از اصطلاح لاتین Civil Societas گرفته شده و در ابتدا به شرایط زندگی در جامعه‌ای متمدن اطلاق می‌شد که آن جامعه به اندازه‌ای پیشرفته بود که می‌توانست دارای قواعد حقوقی مخصوص به خود به نام Jus Civile باشد. این قواعد، مافوق قواعد حقوقی کشورهای منفرد بود. در این جامعه، بربرها و فرهنگ‌های پیش‌شهرنشین* به عنوان جوامع متمدن شناخته نمی‌شدند. پس آنگاه، نظریه‌پردازان سیاسی برای برآوردن نیازهای خود، از این مفهوم استفاده کردند. نظریه‌پردازانی چون لاک، هگل و مارکس، هر یک تعریف متفاوتی از جامعه مدنی به عمل آوردند.

«تعریف نوین جامعه مدنی، بیشتر بر ترتیبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی جامعه صنعتی مدرن، جدا از کشور تمرکز می‌کند و جامعه مدنی را گستره‌ای مستقل از کنترل کشورها، مخصوصاً کنترل خودکامگی** تلقی می‌کند.»

* .Pre-urban

** . Totalitarian Control

«ایده جامعه مدنی بتدریج و مخصوصاً پس از پایان جنگ سرد، زمینه‌ای برای ظهور ایده جامعه مدنی جهانی گردید.»^۱

۲- جامعه بین‌المللی و جامعه جهانی

به طور کلی جامعه بین‌المللی یا اجتماع بین‌المللی یک جامعه سیاسی است که از مجموعه‌ای از موجودات انسانی تشکیل شده که در کره خاکی زندگی می‌کنند و از طریق همبستگی متقابل با یکدیگر در ارتباط می‌باشند. اما از دیدگاه جامعه‌شناختی، جامعه انسانی به تشکیلات کوچکتری تقسیم شده که در کل، جامعه بین‌المللی را به وجود می‌آورند و مهمترین این تشکیلات «کشورها» هستند. کشورها از دید تاریخی، عامل مؤثر سیاسی در جامعه بین‌المللی می‌باشند.^۲

پیوستگی و روابط روزافزون متقابل اشخاص خصوصی در سطح بین‌المللی، موجب گردید تا جامعه بین‌المللی به صورت جامعه جهانی تحول یابد. بنابراین جامعه جهانی مفهومی گسترده‌تر از جامعه بین‌المللی دارد.^۳

امروزه، جامعه جهانی از مطالعه کنش متقابل کشورها فراتر رفته، گروهها و افراد نیز انواع زیادی از روابط فراملی را میان خود برقرار کرده‌اند که نمایانگر تحول جدیدی از مناسبات جامعه جهانی است و طبقاً به عنوان بازیگران جامعه جهانی به حساب می‌آیند. گو اینکه در سالهای اخیر، توجه زیادی به روابط فرا ملی و فعالیتهای بازیگران غیردولتی معطوف گشته است.^۱

1. Ronnie D. Lipschutz: Reconstructing World politics: the Emergence of Global civil Society/In International Society after cold war /Rick fawn and jermey Larkins (ed) /McMiillan Pree LTD/1996/pp. 107.108.

۲. کلییار، کلود البر، نهادهای روابط بین الملل، ترجمه و تحقیق از هدایت الله فلسفی، تهران نشر نو، ۱۳۶۸، از ص ۱۴۱ به بعد.

۳. دکتر حسن ارسنجانی، حاکمیت دولتها، تهران، جیبی، چاپ دوم، ۱۳۴۸، ص ۱۵۳.

4. Luard/Evan/International Society, London/MacMillan/1990

ایدهٔ جامعهٔ جهانی را برخی آزمانی بیش نمی‌دانند که از واقعیت‌های جهان معاصر بسیار دور است، زیرا در این جامعه، قوهٔ مقننهٔ فرا کشوری وجود ندارد و اقتدار اجتماعی ناشی از اراده و تراضی کشورهاست.

خصوصیات جامعهٔ جهانی، خاص خود این جامعه است و عدم شناخت این واقعیت، موجب پیدایش سوء تفاهماتی شده است.^۵

ایدهٔ جامعهٔ جهانی به دوران قبل از میلاد مسیح می‌رسد. از جمله رواقیون در قرون پنجم و چهارم قبل از میلاد، معتقد بودند که مردم جهان اعضای یک جامعهٔ جهانی هستند، یا سیسرون خطیب نامور رومی معتقد بود که جامعهٔ جهانی یعنی جامعهٔ کل بشری، حال آنکه منشأ جامعهٔ بین‌المللی به عهدنامهٔ ۱۶۴۸ و ستفالی بازمی‌گردد.

در جامعهٔ جهانی، در کنار تابعان یا بازیگران اصلی روابط بین‌الملل که همان کشورها و سازمانهای بین‌الدول هستند، اشخاص خصوصی، اعم از حقیقی یا حقوقی نیز جایگاه مستقل و جدا از آنان یافته‌اند.

در مجموع می‌توان جامعهٔ بین‌المللی را عمدتاً یک جامعهٔ بین‌الدول و جامعهٔ جهانی را جامعه‌ای بین‌الملل به مفهوم عام کلمه دانست و ما نیز در این گفتار، جامعهٔ جهانی را از این زاویه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳- جامعهٔ مدنی جهانی در دنیای امروز

امروزه جامعهٔ مدنی جهانی، ضرورت زیست بین‌المللی است. زیست بین‌المللی تجلی یک سلسله مبادلات در محیطی مشخص و معین است که در آن، کشورها بازیگران اصلی هستند و به این دلیل، نظم کنونی روابط بین‌الملل بر مرکزیت کشورها استوار است، یعنی کشورها را قدرت فائقه می‌دانند. با وجود این، در این نظام، نیروها و جریانات فکری دیگری هم وجود

این کتاب توسط آقای مسعود طارم سری به زبان فارسی در مجله سیاست خارجی، ش ۱، سال هفتم بهار ۱۳۷۲ معرفی شده است.

۵. کاسه، آنتونیو، حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰، ص ۲۹.

دارند که آنها نیز بازیگران بین‌المللی هستند و مستقل از کشورها به حیات خود ادامه می‌دهند و حتی در مواردی از آنها پیش می‌گیرند.^۶

در سالهای اخیر، به دلیل توسعه روابط بین‌الملل و همبستگی روزافزون و متقابل ملت‌ها، نیروها و جریانات فکری مذکور به صورت نظامات یا ترتیبات سیاسی جدید خصوصی یا غیردولتی ظهور کرده که بر ساختاری از شبکه‌های دانش، معرفت و عمل قسار گرفته و از مرز کشورها عبور کرده‌اند، به گونه‌ای که گویی در اساس مرزی وجود ندارد. این نظامات یا ترتیبات همان جامعه مدنی جهانی است.^۷

ابونصر فارابی در یکی از رسالات خود به نام «فی آراء اهل المدينة الفاضله» می‌گوید:

«مدینه بزرگ (که همان جامعه مدنی جهانی است) جامعه‌ای است که در آن، تمامی انسانها برای رسیدن به کمال سعادت با یکدیگر همکاری کنند، نظم این همکاری باید به صورتی باشد که هر یک از جوامع میانه (یعنی جوامع ملی) رابی‌آنکه در جامعه بزرگ (یعنی جامعه جهانی) مستحیل شوند، به سمت هدف مشترک سوق دهد و آنها را با هم یکدل سازد. البته فارابی معتقد است که جامعه مدنی جهانی آنگاه تحقق می‌یابد که هر یک از جوامع میانه (جوامع ملی)، مدینه جماعیه (جمهوری) باشد، تا آنکه اعضای آن بتوانند آنچه را اراده می‌کنند، انجام دهند و خود متولی سرنوشت خویش باشند.^۸»

در جامعه مدنی جهانی، اشکال گوناگونی از همبستگی ملی دیده می‌شود: همبستگی سیاسی، همچون احزاب سیاسی بین‌المللی، مانند احزاب دموکرات مسیحی، همبستگی حرفه‌ای، همچون سندیکاهای بین‌المللی کارگری، همبستگی مذهبی، همچون اتحادیه کلیساهای جهان و بالاخره همبستگی علمی یا بشری، همچون مؤسسه حقوق بین‌الملل یا سازمان عفو بین‌الملل.^۹

هر گونه فعالیت اجتماعی و اقدام فکری یا معنوی می‌تواند فراتر از مرزها نیز ادامه داشته باشد و موجب شکل‌گیری گروه‌های خصوصی شود و از این طریق، جامعه مدنی جهانی را انسجام بیشتری بخشد.

6. Merle/Marcel/La Vie International/Collection UArmad Colin /1970/P.P/201

7. Ronnie D Lipschutz/op.cit/p.102.

۸. دکتر هدایت الله فلسفی، حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران، نشر علم، ۱۳۷۹، پانویس ش ۱، ص ۷۰ و ۷۱.

9. Merle/op.cit/p.201

جامعه مدنی جهانی پدیده جدیدی نمی باشد، اما تعیین خاستگاه آن مشکل است. اهمیت امروزه جامعه مدنی جهانی در رشد فزاینده و نمایان آن و تأثیر واقعی اش بر رفتار مسئولان سیاسی خارجی کشورها و بالمآل بر عرصه سیاست بین الملل است.

حال این پرسش مطرح است که چرا مفهوم جامعه مدنی جهانی، ارزش بررسی عمیق دارد؟ در پاسخ می توان دو دلیل را ذکر کرد: اول وجود تعداد زیادی شبکه های سیاسی فراملی گوناگون که هر یک تخصص خاصی دارند و نظام کشور- ملت را به چالش می طلبند و دوم اینکه، رشد جامعه مدنی جهانی، حکایت از طرح مستمر جامعه مدنی برای بازسازی سیاست جهانی دارد. تداوم این طرح باعث می شود که جامعه مدنی، جهانی شده و به قدرتی سیاسی تبدیل شود.^{۱۰} از این رو، نمی توان واژه های مدنی و سیاسی را در جامعه جهانی از یکدیگر تفکیک نمود، زیرا شناخت ایده جامعه مدنی جهانی، ناشی از پذیرش برداشت جدیدی از مفاهیم جامعه، مدنیت و جهانی شدن است و این خود نتیجه ورود مفاهیم جامعه شناختی، اومانیستی و اونیورسالیستی در مناسبات بین المللی است.

۴- ویژگیهای جامعه مدنی جهانی

در مورد ویژگیهای جامعه مدنی جهانی، موضوع را با پرسشی پی می گیریم: مفهوم جامعه مدنی جهانی چه چیزی را در بر می گیرد؟

برای پاسخ به این پرسش، باید به فضاهای سیاسی به جز فضاهایی که با پارامترهای نظام کشور ملت محدود شده اند، بنگریم. این فضاهای سیاسی از طریق شبکه های اقتصادی، اجتماعی و روابط فرهنگی مشخص می شوند و با شرکت آگاهانه بازیگران، در مناطق جغرافیایی متفاوت اشغال می گردند و خود را توسط شبکه هایی با اهداف سیاسی و اجتماعی خاص به یکدیگر پیوند می دهند.^{۱۱}

شرکت کنندگان در شبکه های جامعه مدنی جهانی، هر چند در مورد مسائل سیاسی خاص با کشورها و دولتها (حکومتها) در تعامل هستند، اما خود شبکه ها، از مرزهای کشوری فراتر

10. Ronnine D. Lipschutz/op.cit/p. 102.

11. Ibid/pp. 103-104.

رفته و توسط نظام کشوری محدود نمی‌شوند. چنین شبکه‌ها و فضاها‌ی سیاسی، سیاستهای زیست محیطی، موضوعات حقوق بشر، مسائل سیاسی و اجتماعی، همچون بیماری ایدز، جنبشهای هواخواه صلح و مخالف آزمایشهای هسته‌ای و ضدسقط جنین را شامل می‌شوند.^{۱۲}

جامعه مدنی جهانی، جامعه‌ای است مبتنی بر وجود روح همکاری و تعاون، علایق و منافع مادی و معنوی مشترک و گوناگون در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و حتی عقیدتی اعضای آن جامعه.

در جامعه مدنی جهانی، اصول و ارزشهای مشترکی حاکم است، از جمله: آزادی، عدالت، همبستگی، بردباری، عدم خشونت، احترام به حیثیت و شأن انسانی و بالاخره مسئولیت مشترک.

نقش افکار عمومی جهانی در ائتلاف هر چه بیشتر و بهتر جامعه مدنی جهانی مؤثر است، زیرا افکار عمومی جهانی در واقع آئینه تمام‌نمای وجدان جهانی است.

ویژگیهای جامعه مدنی جهانی، مخصوص خود این جامعه است و نباید آنها را با خصوصیات جامعه مدنی در جوامع خاص یکی دانست، هرچند ایده جامعه مدنی جهانی، از ایده جامعه مدنی در جوامع خاص گرفته شده است.

دلیل عمده و اساسی تفاوت در خصوصیات جامعه مدنی جهانی و جامعه مدنی در جوامع خاص، ناشی از تفاوت بنیادین مفهومی و ساختاری میان جامعه داخلی و جامعه جهانی است.

۵- دلایل جهانی شدن جامعه مدنی جهانی^{۱۳}

جامعه مدنی جهانی به دو دلیل «جهانی» است. یکی به دلیل پیوندهای اعضای آن جامعه که مرزهای ملی را در می‌نوردند و در محدوده «منطقه غیرسرزمینی جهانی» فعالیت می‌کنند. دلیل دیگر اینکه، آگاهی جهانی در مورد شیوه عمل اعضای آن جامعه، رشد فزاینده‌ای یافته است.

12. Ibid/pp.104/105/106.

۱۳. مطالب این بندها ترجمه و تلخیص این مقاله است:

Ronnie D. Lipschutz, op.Cit/pp.108/109/112/113.

این فرایندهای عملی و نظری، منجر به «جهانی شدن» اقدامات می‌شود و نظامی فرا اجتماعی را ایجاد می‌کند که نه تنها شکل فرهنگی روابط بین‌الملل، بلکه منطق حاکم بر آن را نیز به چالش می‌طلبد.

اما اینکه چرا جامعه مدنی جهانی در این مقطع تاریخی ظاهر می‌شود؟ در پاسخ می‌توان به سه دلیل مرتبط به هم اشاره کرد:

۱) از حیث تاریخی، در پایان قرن بیستم ما شاهد دو نوع تحرک در حاکمیت می‌باشیم. یکی صعودی و دیگری نزولی. تحرک صعودی حاکمیت از کشورها به نهادهای فراملی و تحرک نزولی حاکمیت از کشورها به نهادهای درون ملی.

۲) دوم اینکه، جامعه مدنی جهانی به منزله پاسخی عملی است به قابلیت و اراده رو به کاهش حکومتها، در انجام وظایف گوناگون رفاهی، از جمله حفاظت از محیط‌زیست، و احیا یا ارائه خدمات بهداشتی اولیه ظاهر می‌شود.

۳) بالاخره سوم اینکه، جامعه مدنی جهانی را می‌توان نوعی مقیاس پایداری گسترده در مقابل استیلای نظام کنونی بین‌المللی تلقی نمود.

عدم صلاحیت کشورها و اعمال اقتدار و صلاحیت اجتماعی^{۱۴}

در چند دهه اخیر، کشورها به دلایل عدیده، قادر به پاسخگویی به نیازهای رفاهی جامعه نبوده‌اند و همزمان با کاهش کیفیت خدمات، بیش از پیش در حال از دست دادن مشروعیت خود می‌باشند. در نتیجه، به منظور یافتن راههای دیگر برای انجام خدمات رفاهی، اتکای فزاینده‌ای به خود جامعه صورت گرفته است.

دولتها (حکومتها) به موازات از دست دادن صلاحیت و عدم انجام وظایف، صلاحیت اداره و حکومت را نیز از دست می‌دهند. این امر مخصوصاً در مواردی که حکومتها درگیر مسائل بسیار پیچیده‌ای همچون کیفیت و حفاظت محیط زیست می‌شوند، مصداق پیدا می‌کند. از مجموع مطالب این بند (بند الف) می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱۴. مطالب این بندها ترجمه و تلخیص این مقاله است:

۱) یکی از دلایل عمده ظهور جامعه مدنی جهانی، پذیرش درازمدت لیبرالیسم به عنوان سیستم عملکرد جهانی است، با تمامی تضادهایی که دربر دارد.

۲) نکته دیگری که باید بر آن تأکید کرد، این است که ظهور جامعه مدنی جهانی لزوماً منجر به یک دنیای متحد و آکنده از صلح و امنیت نمی شود.

۳) از سوی دیگر، جامعه مدنی جهانی می تواند قابلیت های نوینی برای نیروهای مرفعی و ضدسلطه ایجاد کند تا بتوانند پیوندهای فراملی برقرار کرده و از آن طریق، خود را وارد یک نظام جهانی چندجانبه کنند. این خود، راهی است برای پیشبرد فرآیند دموکراتیزه کردن یک جامعه مدنی جهانی نوظهور و یک نظام مقتدر سیاسی بین المللی نوظهور که می تواند فضای سیاسی و موقعیت اجتماعی لازم را جهت یافتن راه حل برای مسائل عمیق نابرابری اجتماعی، عدم گذشت در برابر عقاید مخالف، نابودی محیط زیست و نظامی شدن کره زمین ایجاد کند.

ب - مفهوم و ساختار جامعه مدنی جهانی از دیدگاه حقوق بین الملل

هر نظام حقوقی با محیط اجتماعی خود پیوندی ناگسستنی دارد. به همین دلیل، هر قاعده حقوقی را باید با توجه به محیطی که در آن به وجود آمده و رشد کرده است مورد توجه قرار داد.^{۱۵}

محیط اجتماعی حقوق بین الملل، جامعه بین المللی یا همان طور که قبلاً ذکر گردید، فراتر از آن، جامعه جهانی است و جامعه مدنی جهانی شکلی از جامعه جهانی است.

از این روست که حقوق بین الملل را به عنوان مجموعه ای از قواعد و نهادهایی می دانند که بر جامعه بین المللی، یا به مفهومی گسترده تر و آرمان گرایانه بر جامعه جهانی حاکم است. این تعریف گویای آن است که میان حقوق و جامعه، ضرورتاً یک ارتباط جامعه شناختی وجود دارد. ضرب المثل قدیمی یونان که بنا بر آن *Ubi Societas ibi jus*، یعنی هر اجتماعی

۱۵. دکتر هدایت الله فلسفی، *روشهای شناخت حقوق بین الملل*، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹، بهار - تابستان

۱۳۷۰، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ص ۹۷.

نیاز به حقوق دارد و هر حقوقی محصول اجتماعی است، گویای واقعیتی است که در هر زمان و مکان به اثبات رسیده است.^{۱۶}

هر قدر تأثیر و نفوذ مفاهیم جامعه شناختی در حقوق بین الملل بیشتر گردد، مفهوم جامعه مدنی جهانی با حقوق بین الملل بیشتر گره می خورد. به بیان دیگر، جامعه مدنی جهانی بستر مناسب حقوق بین الملل است.

روایون معتقد بودند که قانون این جامعه جهانی، حقوق طبیعی است و تمام مردم جهانی بدون استثنا مجبور به پیروی از آن حقوق هستند.

ژرژسل حقوقدان برجسته فرانسوی در ۱۹۳۲ با استعانت از مفاهیم جامعه شناختی دورکیم و دوگی، از حقوق بین الاجتماع* که ناشی از ثبات اجتماعی است، سخن به میان آورد.^{۱۷}

« امروزه حقوق بین الملل به طور روزافزونی در حال انتقال از ساختار سنتی رابطه کشورها و تجدید صلاحیت آنها به مرحله توسعه قواعد اساسی در مورد مسایل مربوط به منافع عموم است. این منافع برای رشد جامعه بین المللی و رفاه فردی شهروندان هر یک از کشورها ضروری است. همچنین می توان دریافت که در نتیجه این انتقال، موضوع حقوق بین الملل به طور فزاینده ای به روابط چندگانه افراد، سازمانها و شرکتهایی مربوط می شود که در صدد برقراری قواعد و مقررات حقوقی در سطح بین المللی می باشند...»^{۱۸}

جامعه مدنی جهانی اگرچه باید با کشورها در تعامل باشد، اما قانون جامعه مدنی جهانی منکر برتری کشورها یا حقوق حاکمه آنها بر حقوق حاکمه افراد وجوامع است.^{۱۹}

جامعه مدنی جهانی نیازمند جهانی شدن حقوق است. حقوقی که بتواند با ساختار این جامعه متناسب باشد، قطعاً چیزی جز حقوق بین الملل نیست و تنها این حقوق است که می تواند پاسخگوی نیازهای چنین جامعه ای باشد.

16. Quoc Dinh/N/Droit International public/Seed/1994/p/33.

* Intersocial Law

۱۷. عبدالرحمن عالم، حقوق بین الملل جدید، مجله سیاست خارجی، شماره ۳، مهر - آذر ۱۳۶۸، دفتر مطالعات

سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ص ۵۰۱.

۱۸. همان، ص. ص ۵۰۱، ۵۰۲ به نقل از:

Wilfred Janks/The Common Law of Mankind (New York/ American Book Co.1958), P.17

19. Ronnie D.Lipschutz/op .cit/pp.108/109/112/113.

امروزه بخش اعظمی از قواعد حقوق بین‌الملل، تنظیم‌کننده روابط اشخاص خصوصی یا غیردولتی در جامعه جهانی است: روابط مستقیم این اشخاص با یکدیگر، با سازمانهای بین‌الدول و با کشورها. اشخاص خصوصی یا غیردولتی، از جمله سازمانهای بین‌المللی غیردولتی، شرکتهای خصوصی خارجی، مخصوصاً شرکتهای فراملی یا چندملیتی و حتی اشخاص حقیقی، هرچند مستقیماً نقشی در ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل ندارند، اما به طور غیرمستقیم تأثیرگذار بوده و عامل فشار معنوی بر کشورها و سازمانهای بین‌الدول برای وضع قواعد مطلوب در جامعه جهانی هستند.

قواعد حقوق بین‌الملل یا موجد امتیازی برای اشخاص خصوصی یا غیردولتی هستند و یا تکالیفی بر آنها بار می‌کنند که تبعیت از آن قواعد را برای شان بدنبال دارد. به بیان بهتر، حقوق بین‌الملل، اشخاص خصوصی یا غیردولتی را موضوع تعداد قابل توجهی حق و تکلیف قرار داده است.^{۲۰}

اما از بحث بالا نباید چنین نتیجه‌گیری گرفت که اشخاص خصوصی یا غیردولتی در زمره تابعان فعال حقوق بین‌الملل هستند، زیرا در اکثر موارد، کشورها، میان آنها و حقوق بین‌الملل حائل ایجاد کرده است. اصولاً این کشورها هستند که اشخاص خصوصی یا غیردولتی را به پیروی از صلاحیتشان، تعهداتشان و سرکوب اعمال خلاف بین‌المللی ارتكابی، وادار می‌کنند و در مقابل، آنها را مستقیماً و در سطح بین‌المللی، از امتیازاتی برخوردار می‌نمایند.^{۲۱}

از این روست که یکی از جلوه‌های بارز توسعه تدریجی و مترقیانه حقوق بین‌الملل را می‌توان وجود قواعد حاکم بر مناسبات اشخاص خصوصی یا غیردولتی در سطح جهانی دانست. قواعدی که به طور چشمگیر و روزافزونی در حال تغییر ساختار خود از روابط بین‌الدول به روابط بین‌الملل به معنی واقعی کلمه است.

20. Quoc Dinh/op.cit/p.33.

21. Ibid

امروزه ظهور مفاهیمی چون منافع مشترک جهانی، صلح و امنیت بین الملل، حراست از شأن و کرامت انسانی، میراث مشترک بشریت، حفظ محیط زیست، حق توسعه پایدار و بسیاری مفاهیم مشابه دیگر، حکایت از بستری با روح واحد جهانی داشته که نظم حقوقی بین المللی جدیدی را طلب می کند.^{۲۲}

ظهور قواعد آمره بین المللی جدید، نشانه گویائی از نظم حقوقی جدید بین الملل است. قواعد آمره ای که منحصرأ حاکم بر جامعه مدنی جهانی است. از جمله: اصل احترام به حقوق و آزادیهای بنیادین بشر، اصل حق ملتها در تعیین سرنوشت خود، اصل منع آلودگی محیط زیست دریاها و ماوراء جو، اصل حسن نیت، اصل وفای به عهد، اصل ممنوعیت کشتار جمعی، اصل منع تبعیض نژادی، اصل ممنوعیت بردگی، اصل ممنوعیت هواپیما ربایی و دزدی دریایی.

ج - عوامل حقوقی مؤثر در نقش آفرینی نهادهای مدنی جهانی

مقصود از نهادهای مدنی جهانی، انجمن ها و مؤسساتی است که به کشورها یا سازمانهای بین الدول فشارهای دموکراتیک وارد می کنند.

نقش آفرینی نهادهای مدنی جهانی در اساس به دو دسته عوامل حقوقی بستگی دارد: یکی به وضعیت حقوقی نهادها و دیگری به ماهیت یا طبیعت غیردولتی آنها. وضعیت حقوقی نهادهای مدنی جهانی، یعنی داشتن شخصیت حقوقی بین المللی و صلاحیت بین المللی. در واقع اعطای چنین شخصیت و صلاحیتی به اداره کشورها بستگی دارد و این یک امر استثنایی است. به طور مثال اگر کمیته بین المللی صلیب سرخ به عنوان یک نهاد مدنی جهانی شناخته شده است، به این دلیل است که کشورها در معاهدات بین المللی چنین شخصیت و صلاحیتی را برای آن شناخته اند. به بیان دیگر، در مقابل کشورها که دارای انحصار مطلق و یا حداقل امتیاز در مورد اعمال صلاحیت بین المللی دارند، سایر تابعان حقوق بین الملل

۲۲. حسین شریفی طراز کوهی، قواعد آمره و نظم حقوقی بین المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

فقط صلاحیت خاصی در محدوده‌های ثابتی توسط خود کشورها در اختیار دارند.

در مورد عامل دوم، یعنی ماهیت یا سرشت حقوقی نهادهای مدنی جهانی، عقیده غالب این است که هر گونه ابتکار عمل خصوصی در امور بین‌المللی طبیعتاً بانوعی شکست مواجه می‌شود. صرف وجود یک نهاد را نمی‌توان نتیجه تأثیرگذاری آن دانست. برخی از نهادهای خصوصی یا غیردولتی فقط حائل مؤسسات دولتی هستند.^{۲۳}

نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل باید به عنوان بازتاب جامعه مدنی جهانی مورد ملاحظه قرار گیرد. پایه‌های نظام حقوق بین‌الملل بر جامعه جهانی غیرمتمرکزی استوار است که تنها تکامل ساختاری حقوقی غیرمنسجم را اجازه می‌دهد.^{۲۴}

بدیهی است در صورتی که این ساختار درهم ریزد و قدرت از آن افراد و گروه‌های ذی‌شعور گردد، جامعه واحد سازمان‌یافته‌ای پدیدار می‌شود که در آن، قانون بر همه اعضا به صورتی یکسان، حاکم خواهد بود.^{۲۵}

خوشبختانه، روند روبه توسعه حقوق بین‌الملل به سمت و سوی است که آینده‌روشنی را پیش رو قرار می‌دهد. مخصوصاً تحول در مفهوم جامعه مدنی جهانی و حقوق حاکم بر آن که حقوقی جز حقوق بین‌الملل نمی‌باشد، نویدی بر جهانی شدن حقوق بین‌الملل است.

23. Merle. Op.Cit/pp.201.203.

۲۴. مکین رابرت. م.، کارکرد حقوق بین‌الملل در جامعه جهانی، ترجمه صالح رضائی، روزنامه اطلاعات، شماره، ۲۹، ۲۰۷۹۱، خرداد ۱۳۷۵.

۲۵. دکتر هدایت الله فلسفی، شناخت منطقی حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰، بهار و تابستان

۱۳۷۱، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۵۴